

تعیین پایایی و روایی نسخه فارسی مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران

نادر حاجلو¹، * فرزانه رنجبر نوشری²

1. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

2. دانشجوی دکترای روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

(تاریخ وصول: 94/06/9 - تاریخ پذیرش: 94/08/07)

The Validity and Reliability of Farsi Version of the Compassion of Others' Lives (COOL) Scale

Nader Hajloo¹, * Farzaneh Ranjbar Noushari²

1. Associate Professor in Psychology, Mohaghegh Ardebili University

2. Ph.D student in Psychology, Mohaghegh Ardebili University

(Received: Aug. 31, 2015 - Oct. Jun. 29, 2015)

Abstract

چکیده

Introduction: Compassion is an interpersonal construct that has important role in individuals' well-being. The main purpose of this study was to examine the validity and reliability of The Compassion of Others' Lives Scale (COOL scale). **Method:** To this end, 281 students (170 women and 90 men with an average age of 23.4) from Payame Noor University of Guilan were selected by multi-stage cluster sampling. They answered The Compassion of Others' Lives Scale (Chang et al., 2014), The Emotional Empathy Scale (Mehrabian and Epstein, 1972) and The Sadistic Personality Subscale of Millon Personality Inventory. **Results:** The results of exploratory factor analysis showed that two factors, empathy and alleviating suffering, predicted approximately 50 percent of the variance and confirmatory factor analysis indicated that these factors were well fitted to the data (CFI= 0.91, NFI= 0.88, GFI=0.94). The convergent and divergent validity of the scale were examined by correlating with Emotional Empathy Scale and Sadistic Personality Subscale and the results showed significant correlation ($P < 0.01$). The internal consistency of the scale was calculated by Cronbach's alpha (0.87), and the correlation of items with the total score was obtained in the range of 0.41 to 0.60. **Conclusion:** According to the results, it can be concluded that the Compassion of Others' lives Scale has a good validity and reliability for Iranian samples and can be used in future studies.

مقدمه: دلسوزی سازه‌ای بین فردی است که نقش مهمی در بهزیستی افراد ایفا می‌نماید و مطالعه حاضر باهدف بررسی پایایی و روایی مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران انجام گرفت. **روش:** در این راستا 281 دانشجو (170 زن و 111 مرد) با میانگین سنی 23/41 سال با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای از بین دانشجویان دانشگاه پیام نور استان گیلان انتخاب شدند و به مقیاس‌های دلسوزی برای زندگی دیگران چانگ و همکاران (2014)، مقیاس همدلی عاطفی مهربان و اپستین (1972) و زیر مقیاس شخصیت آزارگر پرسشنامه شخصیتی میلون پاسخ دادند. **یافته‌ها:** نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که این مقیاس دو عامل همدلی و تسکین درد و رنج را در بر می‌گیرد که حدود 50 درصد از واریانس مقیاس را تبیین می‌نمایند و بر اساس نتایج تحلیل عاملی تأییدی، این عامل‌ها به‌خوبی با داده‌ها برازش داشت (GFI=0/94، CFI=0/91، NFI=0/88). روایی همگرا و افتراقی مقیاس، از طریق همبستگی با مقیاس همدلی عاطفی و زیر مقیاس شخصیت آزارگر محاسبه گردید که نتایج معنادار بودند ($p < 0/01$). همسانی درونی مقیاس بر اساس آلفای کرونباخ 0/87 و همبستگی گویه‌ها با نمره کل در دامنه 0/41 تا 0/60 به دست آمد. نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج این مطالعه، می‌توان نتیجه گرفت که مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران از روایی و پایایی نسبتاً مطلوبی در نمونه‌ایرانی برخوردار است و در پژوهش‌های آتی می‌توان آن را مورد استفاده قرار داد.

Key words: Validity; Reliability; Compassion.**کلیدواژه‌ها:** پایایی، روایی و دلسوزی.

مقدمه

رنجشان و با احساس تعهد، مسئولیت و احترام در ارتباط است.

گوتز، کلتنر و سیمون-توماس¹⁴ (2010) بر اساس یک دیدگاه تکاملی، دلسوزی را به عنوان احساسی که در هنگام مشاهده درد و رنج دیگری پدیدار می شود و به دنبال آن میل به کمک کردن برانگیخته می شود، تعریف می کنند و معتقدند که دلسوزی برای خدمت به سه کارکرد، تکامل یافته است: الف) افزایش مراقبت از فرزندان آسیب پذیر، ب) تسهیل انتخاب یک شریک خوب برای جفت گیری با توجه به دارا بودن این صفت مطلوب و ج) تسهیل همکاری بین افراد غیر آشنا؛ از نظر جینپا¹⁵ (2010)، به نقل از روزر و اکلز¹⁶ (2015) دلسوزی می تواند به عنوان یک سازه چندبعدی و پیچیده تعریف شود که از چهار مؤلفه کلیدی تشکیل شده است: 1) آگاهی از درد و رنج (مؤلفه شناختی)، 2) نگرانی حاکی از همدردی و تأثر از رنج (مؤلفه عاطفی)، 3) آرزوی دیدن تسکین درد و رنج (مؤلفه شهودی) و 4) پاسخ دهی یا آمادگی برای کمک به تسکین درد و رنج (مؤلفه رفتاری).

دلسوزی شامل تعدادی از مهارت های اساسی است که به جای انکار یا تحریف ناراحتی، با بازشناسی و پردازش آن در ارتباط است و وجود مشکل در هر یک از این زمینه ها می تواند مشکلات دلسوزی را ایجاد کند: هم حسی¹⁷ - تجربه هیجان ناشی از استرس در دیگران؛ تحمل ناراحتی¹⁸ - توانایی تحمل پریشانی و احساس های دردناک در دیگران به جای اجتناب از آنها؛ همدلی¹⁹ -

طی دهه های اخیر روان شناسان غربی در تعامل با افکار فلسفی شرق به ویژه بودائیت در راستای تعریف و گسترش سازه دلسوزی¹ گام برداشتند و در این راستا دلسوزی را به عنوان یک پدیده بین فردی در نظر گرفته اند که آگاهی عمیق از درد و رنج دیگری همراه با تمایل به تسکین آن تعریف شده است (لازاروس²، 1993؛ نف³، 2003). پژوهش ها نیز نشان داده اند که دلسوزی، پیوندهای صمیمی با دیگران را تسهیل می کند (شیوتا، کلتنر و جان⁴، 2006) و با افزایش شادی (ونگ⁵، 2005)، احساس نزدیکی، ارتباط، اعتماد، حمایت اجتماعی (کراکر و کانولو⁶، 2008) بهزیستی (پست⁷، 2005؛ شلدون و کوپر⁸، 2008) و نוע دوستی (ونگ⁹ و همکاران، 2013) در ارتباط است.

سنت های شرقی، دلسوزی را اساس آزاد شدن ذهن انسان از نیروی هیجانات ویرانگری مثل ترس، خشم، حسادت و انتقام در نظر گرفته اند (گلمن¹⁰، 2003؛ به نقل از گیلبرت¹¹، 2005). از نظر دالایی لاما و کوتلر¹²، 1998؛ به نقل از چانگ، فرسکو و گرین¹³، 2014) دلسوزی یک نگرش ذهنی است که غیر خشن، غیر آسیب رسان و غیر تهاجمی است که با میل به خلاصی دیگران از درد و

1. Compassion
2. Lazarus, R.S.
3. Neff, K.D.
4. Shiota, M.N.; Keltner, D. & John, O.P.
5. Wang, S.
6. Crocker, J. & Canevello, A.
7. Post, S.G.
8. Sheldon, K.M. & Cooper, M.L.
9. Weng, H.Y.
10. Goleman, D.
11. Gilbert, P.
12. Lama, Dalai, & Cutler, H.C.
13. Chang, J.H.; Fresco, J. & Green, B.

14. Goetz, J.L.; Keltner, D. & Simon-Thomas, E.
15. Jinpa, G.T.
16. Roeser, R.W. & Eccles, J.S.
17. Sympathy
18. Distress tolerance
19. Empathy

- مقیاس همدلی عاطفی⁷، سنجش پاسخ‌دهی عاطفی به حالات عاطفی دیگری (مهرابیان و اپستاین⁸، 1972).

- مقیاس خود دلسوزی⁹، اندازه‌گیری سطح درک نسبت به خود (نف، 2003).

- مقیاس عشق دلسوز¹⁰، اندازه‌گیری نگرش دلسوزانه نسبت به دیگران و نوع بشر (اسپرچر و فهر¹¹، 2005).

- مقیاس خودکارآمدی همدلانه ادراک شده¹²، اندازه‌گیری باور به خودکارآمدی افراد با توجه به پاسخ همدلانه به نیازهای دیگران و مدیریت روابط (دی گیونتا¹³ و همکاران، 2010).

- مقیاس ترس از دلسوزی¹⁴، اندازه‌گیری ترس از دلسوزی فرد نسبت به خود و دیگران (گیلبرت، مک ایوان، متوس و ریویز، 2011¹⁵). با این حال، این مقیاس‌ها مبتنی بر این دیدگاه نظری پژوهشگران از دلسوزی نیستند که دلسوزی واقعی نیازمند همدلی برای درد و رنج دیگران و به دنبال آن اقدامی برای تسکین آن است. بر این اساس، چانگ و همکاران (2014) معتقدند که مؤلفه همدلی می‌بایست به عنوان یک بخش ضروری دلسوزی در نظر گرفته شود چراکه یک فرد ابتدا باید نسبت به دیگرانی که رنج می‌برند قبل از اقدام برای تسکین درد و رنج، همدردی کند. جزء دوم دلسوزی، رفتاری است. دلسوزی بدون عمل، دلسوزی نیست، بلکه صرفاً همدلی است. این

مؤلفه رفتاری را تسکین درد و رنج می‌نامند. لذا به منظور رفع این محدودیت و بررسی جامع سازه دلسوزی، مقیاس

توانایی‌های شناختی و شهودی برای درک منشأ ناراحتی؛ و عدم قضاوت¹ - توانایی برای غیر انتقادی بودن نسبت به موقعیت و رفتارهای فرد دیگر. همچنان که اشاره گردید، یکی از مؤلفه‌های اساسی دلسوزی، همدلی است آنچنان که رشد دلسوزی با ایجاد همدلی آغاز می‌شود، اما دلسوزی قوی‌تر از همدلی است چون دلسوزی تصور رنج دیگری در سطوح عمیق‌تر است (گیلبرت، 2005). همدلی شامل درک معانی، کارکردها و ریشه‌های دنیای درونی فرد دیگر از نقطه نظر خود او است (گیلبرت، 2009) و به عنوان نگرانی برای دیگری بر اساس درک و فهم شرایط عاطفی وی تعریف می‌شود (ایزنبرگ² و همکاران، 1999). ابراز مناسب همدلی مستلزم دارا بودن مهارت‌های اجتماعی است (هانتز، فیگوردو، مالمات و بکر³، 2007) و این توانایی نقش اساسی در زندگی اجتماعی (ریف، کتلیر و ویفرینک⁴، 2010) و عملکردهای موفقیت‌آمیز بین شخصی (سوسا⁵ و همکاران، 2010) دارد.

به اعتقاد هازینگتون⁶ (2009) به نقل از چانگ و همکاران، (2014) نیمی از دلسوزی، همدلی - توانایی احساس کردن درد و رنج دیگری؛ و نیم دیگر، خردورزی است - خردورزی برای عمل به طریقی که درد و رنج کاهش یابد. اساساً، خردورزی ترکیبی از دانش با استدلال و تأمل است.

اولین قدم برای درک بهتر سازه دلسوزی، طراحی یک مقیاس مناسب برای اندازه‌گیری این مفهوم است. در گذشته، مقیاس‌های متعددی جهت اندازه‌گیری عناصر دلسوزی، طراحی شدند از جمله:

7. Emotional Empathy Scale
8. Mehrabian, A. & Epstein, N.
9. Self-compassion scale
10. Compassionate love scale
11. Sprecher, S. & Fehr, B.
12. Perceived empathic self-efficacy scale
13. Di Giunta, L.
14. Fear of compassion scale
15. Gilbert, P.,; McEwan, K.,; Matos, M. & Rivas, A.

1. Non-judgement
2. Eisenberg, N.
3. Hunter, J.A.; Figueredo, A.J.; Malamuth, N. & Becker, J
4. Rieffe, C.; Ketelear, L. & Wiefferink, C.H.
5. De Sousa, A.
6. Hoisington, W.D.

دلسوزی برای زندگی دیگران¹ را تدوین نموده که یک ابزار خود گزارش دهی 26 گویه‌ای است و دو عامل همدمی و تسکین درد و رنج را موردسنجش و ارزیابی قرار می‌دهد.

26 گویه این مقیاس از دو مطالعه جداگانه به دست آمد. در مطالعه اولیه، یک پرسشنامه متشکل از 63 گویه در 232 دانشجوی کارشناسی سنین 41 - 18 سال (میانگین 20/1) اجرا شد که از طریق روش تحلیل عاملی اکتشافی، 14 گویه برای همدمی استخراج شد. بارهای عاملی کمتر از 0/5 از نسخه نهایی آزمون حذف شدند بنابراین 13 گویه برای عامل همدمی مشخص گردید. در مطالعه دوم، یک پرسشنامه 40 گویه‌ای در 122 دانشجوی کارشناسی سنین 43 - 18 سال (میانگین 19/7) اجرا شد و 13 گویه برای عامل تسکین درد و رنج شناسایی شد. جهت بررسی همسانی درونی² آزمون از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که برای مطالعه اول که عامل همدمی را موردسنجش قرار می‌داد، 0/98 و برای مطالعه دوم که عامل تسکین درد و رنج را بررسی نموده 0/89 به دست آمد. همچنین ضریب پایایی باز آزمایی³ سه تا چهار هفته در مطالعه اول 0/87 و مطالعه دوم 0/88 محاسبه گردید. برای تعیین روایی همگرا⁴ از مقیاس همدمی عاطفی مهرایان و اپستین (1972) استفاده شد که ضریب همبستگی کل مقیاس معنادار نبوده اما با زیر مقیاس همدمی در سطح 0/05 همبستگی معنادار داشته است (0/12). برای تعیین روایی افتراقی⁵ نیز مقیاس همبسته‌های بزهکاری⁶ هیندلنگ، هیرسچی و ویس⁷ (1979) و مقیاس خود دلسوزی⁸ نف

(2003) مورد استفاده قرار گرفت که این همبستگی برای مقیاس کل معنادار نبوده و صرفاً زیر مقیاس همدمی با مقیاس همبسته‌های بزهکاری همبستگی معنادار داشته است (چانگ و همکاران، 2014).

با توجه به اینکه سازه دلسوزی جایگاه ویژه‌ای را در پژوهش‌ها به خود اختصاص داده و در فرهنگ ایرانی و اسلامی نیز مهربانی با دیگران همواره از اهمیت و ارزش بالایی برخوردار بوده است، تاکنون در ایران ابزاری جهت سنجش آن وجود نداشته است؛ بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که آیا مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران از پایایی و روایی مطلوبی در جامعه ایرانی برخوردار است؟

روش

پژوهش حاضر در چارچوب طرحی توصیفی و روان‌سنجی مبتنی بر همبستگی انجام شده است. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه پیام نور در سال تحصیلی 94-1393 است که 281 نفر (170 زن و 111 مرد) با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند، به این صورت که از بین 17 مرکز دانشگاه پیام نور استان گیلان، 3 مرکز به صورت تصادفی انتخاب شدند. دامنه سنی شرکت‌کننده‌ها 57 - 18 سال (میانگین 23/41 و انحراف استاندارد 5/72) بوده که از این تعداد 49 نفر متأهل و 232 نفر مجرد بوده‌اند.

ابزارهایی که در این پژوهش به کار رفته‌اند عبارتند از: مقیاس همدمی عاطفی. این ابزار که مهرایان و اپستین (1972) آن را طراحی نمودند یک مقیاس 33 گویه‌ای است که پاسخ‌های عاطفی فرد به واکنش‌های عاطفی

1. The Compassion of Others' Lives Scale (COOL)
2. Internal consistency
3. Test-retest reliability
4. Convergent validity
5. Discriminate validity
6. The correlates of delinquency scale
7. Hindelang, M.J.; Hirschi, T. & Weis, J.G.

8. Self-compassion scale

دیگران را در طیف 9 درجه‌ای لیکرت می‌سنجد. ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، در نمونه‌ای متشکل از 924 نفر بررسی شد و ضریب آلفای کرونباخ 0/91 به دست آمد که نشانه همسانی درونی خوب آن است. به منظور بررسی روایی سازه این مقیاس، از تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شد که توانست 0/67 از واریانس کل را تبیین کند. روایی همگرا و افتراقی آن از طریق اجرای همزمان سیاهه سلامت روانی و فهرست عواطف مثبت و منفی¹ محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که نمره آزمودنی‌ها در مقیاس همدلی عاطفی با بهزیستی روان‌شناختی و عواطف مثبت همبستگی مثبت و با درماندگی روان‌شناختی و عواطف منفی همبستگی منفی دارد. این نتایج روایی همگرا و افتراقی مقیاس همدلی عاطفی را تأیید می‌نماید (بشارت، خدابخش، فراهانی و رضازاده، 1390).

پرسشنامه بالینی چند محوری میلون 3. نسخه اصلی این آزمون در سال 1977 توسط تئودور میلون² تدوین و ارائه شد و از آن زمان تاکنون دو بار تجدید نظر شد. نسخه فعلی یعنی MCM-3³ شامل 175 گویه بلی و خیر است که 14 الگوی بالینی شخصیت و 10 نشانگان بالینی را می‌سنجد و برای بزرگسالان بالای 18 سال طراحی گردیده است. در ارزیابی که توسط میلون و همکارانش انجام گرفته، در مجموع میزان اعتبار آزمون 0/78 است و در بررسی روایی، همبستگی آن با MMPI⁴ 0/75 گزارش شده است (فتحی آشتیانی، 1388). در ایران، شریفی (1381) روایی و پایایی مقیاس را مطلوب گزارش نمود.

به‌طوری که باز آزمایی زیرمقیاس‌ها در دامنه 0/82 تا 0/96 به دست آمد. در مطالعه حاضر فقط از زیر مقیاس شخصیت آزارگر استفاده گردید که شامل 20 گویه است. افرادی که در این زیرمقیاس نمره بالایی را کسب می‌نمایند، به شیوه‌ای خشن و با رفتار قدرت طلبانه دیگران را مورد پرخاشگری کلامی و رفتاری قرار می‌دهند و به راحتی حقوق دیگران را ضایع می‌کنند و احساسات آن‌ها را جریحه‌دار می‌سازند (فتحی آشتیانی، 1388). در این پژوهش جهت بررسی پایایی این زیر مقیاس، از روش کودر ریچاردسون استفاده شد که ضریب 0/52 به دست آمد.

مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران. این مقیاس توسط چانگ و همکاران در سال 2014 ساخته شد و شامل 26 گویه است که 13 گویه آن زیرمقیاس همدلی و 13 گویه آن زیرمقیاس تسکین درد و رنج را در بر می‌گیرد که به‌صورت 7 درجه‌ای لیکرتی تنظیم گردیده است. دامنه نمرات در مقیاس COOL که از مجموع دو زیرمقیاس فوق حاصل می‌گردد، 26 تا 182 است و نمره بالاتر منعکس کننده دلسوزی بیشتر است. پس از ترجمه مقیاس، جهت بررسی روایی محتوا، این مقیاس در اختیار دو نفر از اساتید روان‌شناسی و زبان‌شناسی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا نظرات خود را درباره آزمون، درستی برگردان و هماهنگی با فرهنگ ایران، بیان نمایند که با نظر این اساتید، این مقیاس آماده اجرا گردید. در راستای بررسی روایی همگرا و افتراقی، به ترتیب از پرسشنامه همدلی عاطفی مهراییان و اپستین (1972) و زیرمقیاس شخصیت آزارگر پرسشنامه میلون، استفاده گردید و جهت ارزیابی پایایی مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج به‌صورت مبسوط در بخش یافته‌ها اشاره خواهد گردید.

1. Positive and negative affect schedule
2. Millon, T.
3. Millon clinical multiaxial inventory
4. Minnesota multiphasic personality inventory

یافته‌ها

داده‌های این پژوهش در چند بخش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در بخش نخست، جهت بررسی مقدماتی ساختار مقیاس دلسوزی برای دیگران، تحلیل عاملی اکتشافی انجام گرفت. در بخش دوم، داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بررسی شدند و در بخش

پایانی، نتایج مربوط به همسانی درونی، روایی همگرا و افتراقی مقیاس ارائه گردیده است. پیش از اجرای تحلیل عاملی، همبستگی سؤالات با کل آزمون و شاخص‌های توصیفی مقیاس به تفکیک هر گویه محاسبه گردید که نتایج آن در جدول 1 آمده است.

جدول 1. شاخص‌های توصیفی گویه‌ها و همبستگی هر گویه با نمره کل

گویه	میانگین	انحراف معیار	همبستگی با نمره کل
1	5/66	1/28	0/45
2	5/73	1/14	0/53
3	5/07	1/53	0/53
4	5/52	1/52	0/53
5	5/51	1/39	0/45
6	6/17	1/11	0/43
7	4/66	1/61	0/46
8	5/02	1/46	0/50
9	4/26	1/64	0/53
10	4/67	1/56	0/45
11	6/26	1/20	0/48
12	5/90	1/12	0/49
13	5/07	1/68	0/53
14	6/27	1/11	0/48
15	5/85	1/05	0/53
16	5/73	1/22	0/56
17	5/80	1/33	0/41
18	5/98	1/26	0/56
19	6/14	1/19	0/61
20	6/04	1/22	0/56
21	6/26	1/23	0/40
22	5/52	1/41	0/53
23	5/51	1/37	0/66
24	4/61	2/17	0/36
25	6/09	1/30	0/40
26	6/51	0/98	0/42

واریانس را پیش‌بینی می‌نمایند که بر این اساس، عامل اول 28/05 درصد و عامل دوم 22/29 درصد واریانس را تبیین نمودند. در ادامه الگوی ماتریس عاملی گویه‌های خرده مقیاس‌های دلسوزی برای زندگی دیگران ارائه شده‌اند که نتایج آن در جدول 2 ارائه گردیده است و همان‌طور که مشاهده می‌گردد در تمامی گویه‌ها، بار عاملی بالاتر از 0/40 است.

بررسی شاخص کفایت حجم نمونه (KMO) (0/84) و شاخص بارتلت ($df=325, p<0/001$) نشانگر آمادگی و توجیه لازم برای ورود به تحلیل عاملی بود. جدول ماتریس عناصر چرخش یافته نشان داد که دو مؤلفه قابلیت عاملی شدن را دارند و تک تک سؤالات نیز روی عامل‌های مورد نظر دارای بار عاملی بالا هستند که در مجموع 50/34 درصد

جدول 2. نتایج تحلیل عاملی گویه‌های مقیاس دلسوزی برای دیگران

گویه	عامل 1	عامل 2
13	0/90	
9	0/88	
3	0/81	
4	0/80	
7	0/74	
8	0/74	
10	0/70	
5	0/63	
2	0/61	
11	0/58	
1	0/57	
12	0/55	
6	0/48	
23		0/90
24		0/78
22		0/74
19		0/72
18		0/70
20		0/69
16		0/67
15		0/55
17		0/54
14		0/53
25		0/51
21		0/48
26		0/41

شاخص نیکویی برازش (GFI) و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول 3 ارائه گردیده است.

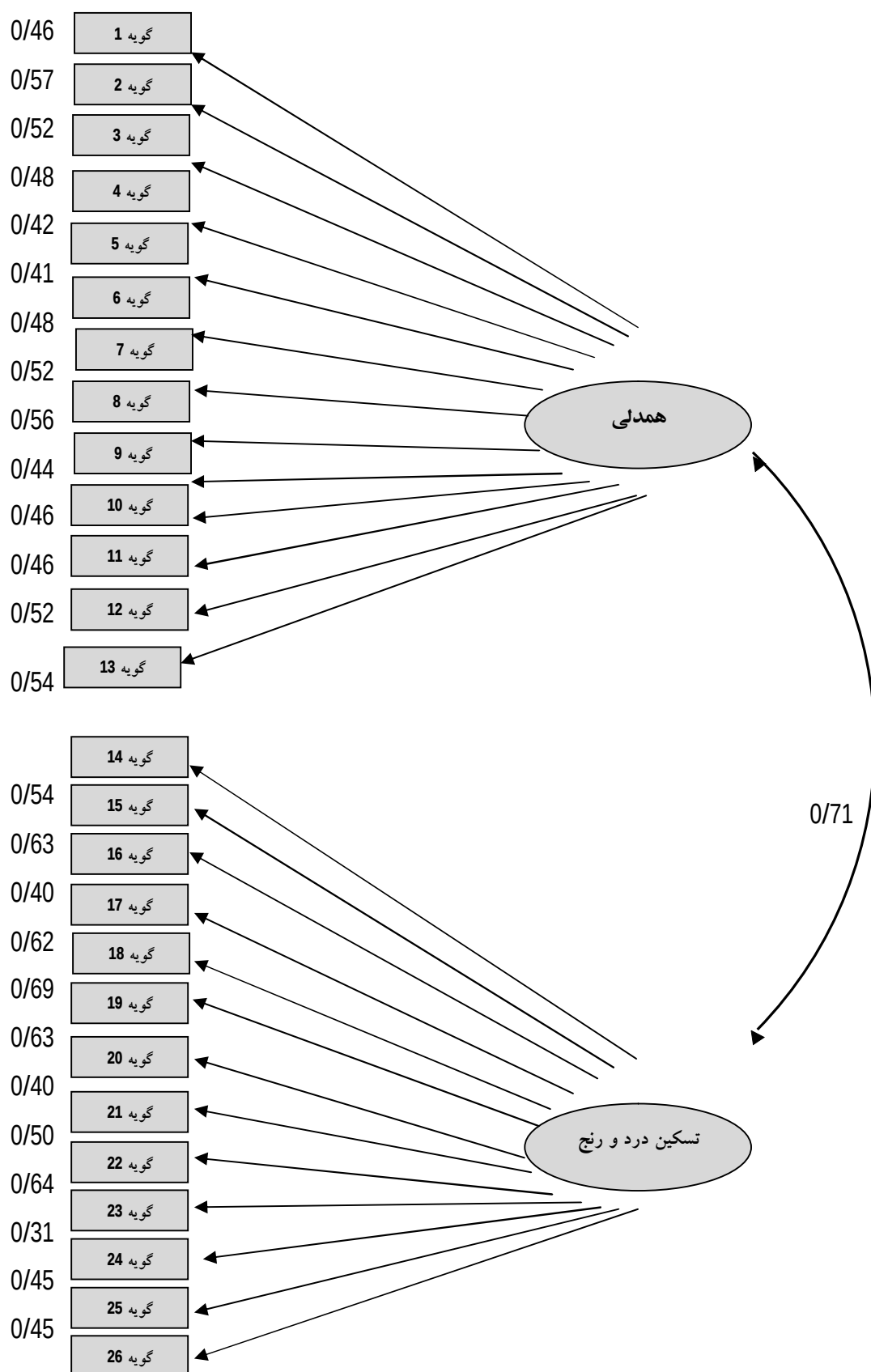
جهت تأیید عوامل استخراج شده، مدل تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم افزار Amos اجرا گردید. در این مرحله، برازندگی الگو بر اساس شاخص مجذور خی، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص هنجارشده برازندگی (NFI)،

جدول 3. شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران

RMSEA	GFI	NFI	CFI	χ^2/df	df	χ^2
0/066	0/94	0/88	0/91	2/63	298	783/94

0/94 و شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب، 0/066 به دست آمد. بر این اساس می‌توان گفت که مدل تحلیل عاملی تأییدی از برازش قابل قبولی برخوردار است. در ادامه نمودار مسیر برای تحلیل عاملی تأییدی همراه با اندازه‌های اثر مربوط به هر گویه مورد بررسی قرا گرفت که نتایج مربوط به آن در شکل 1 آورده شده است.

هرچند برای بررسی نیکویی برازش معمولاً از شاخص مجذور خی استفاده می‌گردد ولی مجذور خی با افزایش حجم نمونه و درجه آزادی افزایش می‌یابد، لذا از شاخص‌های CFI، NFI، GFI و RMSEA جهت بررسی نیکویی برازش استفاده گردید که هر اندازه سه شاخص نخست به یک نزدیک‌تر باشند بیانگر برازش مطلوب‌تر مدل است. بر اساس نتایج، شاخص‌های مذکور به ترتیب 0/91، 0/88 و



شکل 1. نمودار مسیر برای تحلیل عاملی تأییدی مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران

نادر حاجلو و فرزانه رنجبر نوشری: تعیین پایایی و روایی نسخه فارسی مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران

بر اساس نمودار فوق، تمامی اندازه‌های اثر گویه‌های مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران معنادار بوده و نیاز به حذف هیچ‌یک از گویه‌ها نیست. در ادامه میانگین و انحراف معیار مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران و دو زیر مقیاس مربوط به آن ارائه

گردیده است. همچنین به منظور ارزیابی پایایی مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ و جهت بررسی روایی همگرا و افتراقی، از مقیاس همدلی عاطفی و زیرمقیاس شخصیت آزارگر استفاده گردید که نتایج مربوط به آن‌ها در جدول 4 ارائه گردیده است.

جدول 4. میانگین، انحراف معیار، پایایی و روایی مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران

مقیاس	میانگین (انحراف معیار)	آلفای کرونباخ	همدلی عاطفی	شخصیت آزارگر
همدلی	69/51 (9/95)	0/80	0/48**	-0/33**
تسکین درد و رنج	76/30 (9/31)	0/80	0/47**	-0/35**
نمره کل	145/81 (17/22)	0/87	0/53**	-0/38**

**p < 0/01

بر اساس نتایج مندرج در جدول فوق، مقیاس حاضر از همسانی درونی مطلوبی برخوردار است. همچنین همبستگی مثبت و معنادار میان نمرات زیرمقیاس‌های همدلی و تسکین درد و رنج و نمره کل با همدلی عاطفی حاکی از روایی همگرای بالا و همبستگی منفی معنادار با زیرمقیاس شخصیت آزارگر، نشانگر روایی افتراقی بالای مقیاس است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر بررسی پایایی و روایی مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران است. در این پژوهش برای بررسی ساختار عاملی از هر دو شیوه تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده گردید. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، دو عامل همدلی و کاهش رنج را آشکار ساخت، به‌طوری که عامل همدلی 28/05 درصد و عامل کاهش رنج 22/29 درصد واریانس را پیش‌بینی نمود و این عامل‌ها در مجموع 50/34 درصد از واریانس کل مقیاس را تبیین نمودند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز عامل‌های شناسایی شده را در حد مطلوب و قابل قبول ارزیابی و تأیید نمودند که در این راستا از شاخص‌های برازش استفاده

گردید. مقادیر شاخص نیکویی برازش 0/94، شاخص برازندگی تطبیقی 0/91، شاخص هنجار شده برازندگی 0/88، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب 0/066 و نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی 2/63 محاسبه گردید که این نتایج بیانگر این مطلب است که این مقیاس دارای دو عامل است که در هر عامل 13 گویه به‌طور مطلوب تأیید گردیده است که با نتایج چانگ و همکاران (2014) همسو است. این پژوهشگران پس از دو بررسی که پیشتر به آن اشاره گردید، دو عامل همدلی و کاهش رنج را برای مقیاس دلسوزی برای دیگران عنوان نمودند که هر عامل متشکل از 13 گویه بود.

در این مطالعه جهت بررسی همسانی درونی از ضریب همبستگی بین گویه‌ها و عامل‌ها و نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. از یکسو، ضرایب همبستگی نشان داد که تمامی گویه‌ها به‌طور معناداری می‌توانند عامل‌های مربوط به خود را پیش‌بینی نمایند، به‌طوری که دامنه این همبستگی در کل مقیاس از 0/40 تا 0/61 بود. از سوی دیگر، ضرایب آلفای کرونباخ حاصل شده در این مطالعه نیز

در حد بسیار مطلوبی است که با نتایج چانگ و همکاران (2014) همسو است، در این پژوهش مشخص گردید که ضرایب آلفای کرونباخ 0/89 است. با توجه به نتایج این مطالعه می‌توان گفت که این مقیاس از هماهنگی درونی مطلوبی برخوردار است و نشان می‌دهد که گویه‌ها به‌عنوان یک مجموعه به هم پیوند داشته و یک مفهوم را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

بر اساس نتایج مبتنی بر روایی همگرا و افتراقی که در الگوی همبستگی زیرمقیاس‌ها و نمره کل با مقیاس همدلی مهرابی‌ان و اپستین (1972) و زیرمقیاس شخصیت آزارگر مشهود گردید، می‌توان مطرح نمود که از یکسو همدلی، توانایی مهمی است که فرد را با احساسات و افکار دیگران هماهنگ می‌کند و وی را با دنیای اجتماعی پیوند می‌زند و کمک به دیگران را برای وی ترسیم می‌نماید که انسجام گروهی را در بر دارد، ضمن اینکه در فلسفه اخلاقی هم جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است که همبستگی مثبت معناداری را با مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران نشان داد و از سوی دیگر در شخصیت آزارگر که پیش از این در مورد خصایص آن از جمله تضییع حق دیگران و جریحه‌دار نمودن احساسات دیگران اشاره گردید، با مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران همبستگی منفی معناداری را نشان داد. در این راستا چانگ و همکاران (2014) در بررسی روایی همگرا و افتراقی از مقیاس همدلی مهرابی‌ان و اپستین (1972) و

منابع

بشارت، م.ع؛ خدابخش، م.ر؛ فراهانی، ح.ا. و رضازاده، س.م.ر. (1390). «نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی».

همبسته‌های بزهکاری استفاده گردید و نشان دادند که زیر مقیاس همدلی با مقیاس همدلی عاطفی مهرابی‌ان و اپستین (1972) همبستگی مثبت معنادار و با مقیاس همبسته‌های بزهکاری همبستگی منفی معنادار داشته است.

مبتنی بر نتایج مطالعه حاضر، مقیاس دلسوزی برای زندگی دیگران از روایی و پایایی مطلوبی در جمعیت ایرانی برخوردار است و نیز با توجه به مناسب بودن گویه‌های این مقیاس با فرهنگ ایرانی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار معتبر برای سنجش میزان دلسوزی برای زندگی دیگران محسوب گردد که به‌طور یقین در آینده نه چندان دور شاهد کاربست این مقیاس در پژوهش‌های حوزه روان‌شناسی و دیگر حوزه‌های مرتبط خواهیم بود. نکته قابل توجه در مطالعه حاضر این بود که میانگین نمرات نمونه ایرانی در مقایسه با پژوهش چانگ و همکاران (2014) بسیار بالاتر بود که جای تأمل و دقت بیشتر دارد، اینکه مردم کشور ما، افرادی با احساس و دارای همدلی بالا هستند و هماره در پی کمک به دیگران و تقلیل درد و رنج افراد نیازمند به کمک هستند و این نتیجه با فرهنگ اصیل ایرانی کاملاً مطابقت دارد. از جمله محدودیت‌های مطالعه حاضر می‌توان به محدود بودن این مطالعه در جامعه دانشجویان اشاره نمود که ممکن است به‌طور کامل معرف جمعیت عمومی نباشد، لذا پیشنهاد می‌گردد که در جمعیت عمومی و نیز در گروه‌های مختلف مورد بررسی و سنجش قرار گیرد.

فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، 5(1)، 7-23.

فتحی آشتیانی، ع. (1388). آزمون‌های روان‌شناختی؛

چندمحوری میلون 3 در شهر اصفهان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.

Chang, J.H., Fresco, J. & Green, B. (2014). "The development and validation of the compassion of others' lives scale (the COOL scale)". *International Journal of Humanities and Social Science*, 4 (5), 33-42.

Crocker, J. & Canevello, A. (2008). "Creating and undermining social support in communal relationships: The role of compassionate and self-image goals". *Journal of Personality and Social Psychology*, 95(3), 555-575.

de Sousa, A.; McDonald, S.; Rushby, J.; Li, S.; Dimoska, A. & James, C. (2011). "Understanding deficits in empathy after traumatic brain injury: The role of affective responsivity". *Cortex*, 47(5), 526-535.

Di Giunta, L.; Eisenberg, N.; Kupfer, A.; Steca, P.; Tramontano, C. & Caprara, G.V. (2010). "Assessing perceived empathic and social self-efficacy across countries". *European Journal of Psychological Assessment*, 26(2), 77-86.

Eisenberg, N.; Guthrie, I.K.; Murphy, B.C.; Shepard, S.A.; Cumberland, A. & Carlo, G. (1999). "Consistency and development of prosocial dispositions: A longitudinal study". *Child Development*, 70(6), 1360-1372.

Gilbert, P. (2005). *Compassion and cruelty: A biopsychosocial approach*. In P. Gilbert (Ed.), *Compassion: conceptualisations, Research and use in psychotherapy* (PP. 9-74). New York: Routledge.

Gilbert, P. (2009). "Introducing compassion-focused therapy".

ارزشیابی شخصیت و سلامت روان. تهران: انتشارات بعثت.

شریفی، علی اکبر (1381). «هنجاریابی آزمون بالینی

Advances in psychiatric treatment, 15(3), 199-208.

Gilbert, P.; McEwan, K.; Matos, M. & Ravis, A. (2011). "Fears of compassion: development of three self-report measures". *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 84(3), 239-255.

Goetz, J.L.; Keltner, D. & Simon-Thomas, E. (2010). "Compassion: An evolutionary analysis and empirical review". *Psychological Bulletin*, 136(3), 351-374.

Hindelang, M.J.; Hirschi, T. & Weis, J.G. (1979). "Correlates of Delinquency: The Illusion of Discrepancy between Self-Report and Official Measures". *American Sociological Review*, 44(6), 995-1014.

Hunter, J.A.; Figueredo, A.J.; Malamuth, N. & Becker, J. (2007). "Emotional empathy as a moderator and mediator of non-sexual delinquency in juvenile sexual offenders". *Journal of Family Violence*, 22(1), 43-54.

Lazarus, R.S. (1993). "From psychological stress to the emotions: A history of a changing outlook". *Annual Review of Psychology*, 44(1), 1-21.

Mehrabian, A. & Epstein, N. (1972). "A measure of emotional empathy". *Journal of Personality*, 40(4), 525-543.

Neff, K.D. (2003). "The development and validation of a scale to measure self-compassion". *Self and Identity*, 2(3), 223-250.

- Post, S.G. (2005). "Altruism, happiness, and health: It's good to be good". *International Journal of Behavioral Medicine*, 12(2), 66-77.
- Rieffe, C.; Ketelear, L. & Wiefferink, C.H. (2010). "Assessing empathy in young children: Construction and validation of an empathy questionnaire (EmQue)". *Personality and Individual Differences*, 49(5), 362-367.
- Roeser, R.W. & Eccles, J.S. (2015). "Mindfulness and compassion in human development: Introduction to the special section". *Developmental Psychology*, 51(1), 1-6.
- Sheldon, K.M. & Cooper, M.L. (2008). "Goal striving within agentic and communal roles: Separate but functionally similar pathways to enhanced well-being". *Journal of Personality*, 76(3), 415-447.
- Shiota, M.N.; Keltner, D. & John, O.P. (2006). "Positive emotion dispositions differentially associated with big five personality and attachment style". *The Journal of Positive Psychology*, 1(2), 61-71.
- Sprecher, S. & Fehr, B. (2005). "Compassionate love for close others and humanity". *Journal of Social and Personality Relationships*, 22(5), 629-651.
- Wang, S. (2005). *A conceptual framework for integrating research related to the physiology of compassion and the wisdom of Buddhist teaching*. In P. Gilbert (Ed.), *Compassion: Conceptualisations, research, and use in psychotherapy* (pp. 75-120). New York: Routledge.
- Weng, H.Y.; Fox, A.S.; Shackman, A.J.; Stodola, D.E.; Caldwell, J.Z.; Olson, M.C.; Rogers, G.M. & Davidson, R.J. (2013). "Compassion training alters altruism and neural responses to suffering". *Psychological Science*, 24(7), 1171-1180.